

حفاظت از منظر شهری تاریخی در جداره‌های تجاری؛ تبیین چارچوب مداخله بر مبنای تجارب بهسازی خیابان ناصر خسرو تهران*

پیروز حناچی^۱، فرهنگ مظفر^۲، یاسر جعفری^۳ * (نویسنده مسئول)

^۱ استاد دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران
^۲ دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران
^۳ دانشجوی دکتری مرمت بناها و بافت های تاریخی دانشکده حفاظت و مرمت دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۱۴)

چکیده

منظر شهری، موضوعی است که بر ویژگی‌های بصری و کیفیات محیط مصنوع متمرکز می‌شود. مسائلی چون بررسی جداگانه هر یک از این‌به لحاظ دوره ساخت، مصالح و سبک معماری به مقوله منظر شهری ارتباطی ندارد، بلکه عمده توجه آن به ویژگی ماهوی و کیفیت مجموعه ساختمانی و فضایی است که توسط تک بناها تعریف می‌شود. منظر شهری به مسائلی چون نوظهور بودن، تعجب برانگیز بودن، زیبایی و نظم و ترتیب مرتبط می‌شود. در نتیجه، زمینه‌های برگرفته از مفهوم منظر شهری در ارتباط با تأثیر بصری سه بعدی محیط شهری مصنوع است و از این رو باید به منظر شهری، به مثابه هنر تکریمه شود. فرایند ارزیابی از منظر شهری، علاوه بر روابط ایستای میان ساختمان‌ها و فضاها، به جنبه‌های پویای جابه‌جایی‌ها و تردد مردم نیز می‌پردازد. این‌ها عناصر مهمی مشخص‌کننده مقیاس هستند و به ارزیابی ماهیت، کیفیت و صفات منظر شهری کمک می‌کنند. فضاها و شهرهای تنها زمانی زنده خواهند شد که تمام عناصر منظر شهری، با هم ترکیب و ممزوج شوند. از سویی دیگر، حفاظت به مثابه مفهومی فراتر از مرمت و نگهداری، ماهیتی چند بعدی دارد. اگرچه به طور مشخص پیوندی ناگسسته با گذشته دارد، اما فرایندی است که به عصر حاضر می‌پردازد و در عین حال نگاه به آینده دارد. حفاظت، موضوع بسیار ساده بازگرداندن بنا به حالت اولیه یا مرمت و نگهداری آن در وضع موجود نیست. البته در برخی شرایط، گاه حفاظت مستلزم مرمت و احیای صرف یک بنا یا مجموعه‌ای از بناهاست که به واسطه موضوع‌هایی چون ارزش‌های نادر عناصر معماری داخلی و خارجی آن یا اهمیت مفاهیم تاریخی بنا ضرورت می‌یابد. در بسیاری از شرایط، مرمت و بازسازی جداره‌های شهری می‌تواند بخشی از فرایند پویای حفاظت باشد. اگر این رویکرد با حساسیت به کار بسته شود، از خصوصیات مناظر شهری ویژه محافظت می‌کند و در عین حال، اجازه بهبود در سایر جنبه‌های کیفی زندگی را می‌دهد. در این پژوهش، بر مبنای مطالعات میدانی و مستندنگاری اقدامات صورت گرفته، تلاش شد تا شرح اقدامات صورت گرفته در قالبی قابل تجزیه و تحلیل تدوین شده و در گام بعدی، با گردآوری نتایج آماری از جامعه ذی‌نفعان و ذی‌نفعان اعم از کارفرما، مجری، مشاور، مالک و بهره‌بردار، چارچوب منعطفی برای اقدامات مداخلاتی مشابه آماده‌سازی شود. از جمله یافته‌ها و نتایج این پژوهش می‌توان به شکل‌گیری یک نظام اولیه علمی برای طرح‌ریزی مداخله در جداره‌های شهری ناهمگنی اشاره داشت که سبک‌های مختلفی از معماری را در خود دارند و هر یک شیوه مداخله خود را می‌طلبند. در این پژوهش، به رغم وجود چالش‌های فراوانی که بر سر راه مداخله کالبدی در آثاری از جنس میراث فرهنگی وجود دارد، تلاش شد تا مبنایی برای طرح موضوع و نحوه مواجهه با آن فراهم آید.

واژگان کلیدی: جداره شهری، نمای تجاری، منظر شهری، هویت، مرمت و حفاظت، خیابان ناصر خسرو.

مقدمه

منظر شهری، به شکل جدایی‌ناپذیری با جداسازی مرتبط است. نماهای ساختمان‌ها مشارکتی جدی در ایجاد چشم‌اندازهای مناسب از مناظر شهری دارند. این نماهای شهری، عناصری حیاتی در ایجاد حس مکان و کیفیات کالبدی و فضایی به شمار می‌روند که موجب هویت‌بخشی به محدوده‌های شهری می‌شوند. تصمیم‌گیری در خصوص مسائلی چون حفظ، ساخت مجدد، ساخت نمای مشابه با الگوی تاریخی یا تعویض آن و ماهیت بازسازی فضایی کالبد پشت نما، اهمیتی اساسی از لحاظ کیفیت منظر شهری دارد. به‌طور معمول، در تدوین چشم‌انداز برای برنامه‌ریزی میراث فرهنگی، تمامی ملاحظات حفاظتی را به‌عنوان پیامدی اقتصادی از مجموعه گزینه‌های پیش‌رو در خصوص آنچه درخور نیازهای امروزی است، در نظر می‌گیرند. بنابراین، این فرایند به‌جای عرضه، بر مبنای تقاضا شکل می‌گیرد. از این‌رو، فرایند حفظ و به‌سازی جداره‌های تاریخی شهری یا با اندکی فاصله گرفتن از آرمان‌گرایی، ساخت المثنای تاریخی آن را می‌توان به‌عنوان راه‌کاری برای مرتفع ساختن نیازهای حال حاضر در خصوص دو مقوله حفظ ظاهر مکان تاریخی برای فعالیت‌های حیاتی و هم‌چنین فراهم ساختن استانداردهای مورد نیاز برای فضای زیستی به‌روز و مدرن در نظر گرفت.

از سوی دیگر، در مواجهه با جداره‌هایی که علاوه بر ماهیت تاریخی، کارکرد تجاری آن‌ها نیز باید در نظر گرفته شود، موضوع پیچیده‌تر خواهد بود؛ چراکه علاوه بر مؤلفه معماری جداره‌های تاریخی تجاری، موضوع اقتصاد و خط‌مشی تجاری در جلب مشتری و به‌بیانی دیگر، مؤلفه اقتصاد نیز مطرح خواهد بود. بنابراین، تغییرات مداوم جداره‌های تجاری در بدنه‌های شهری تاریخی چندان دور از ذهن نیست. در طی این فرایند دگرگونی، همواره این امکان وجود داشت که تغییرات به استحاله، تغییر یا حتی نابودی عنصر معماری متمایزکننده بنا، که در عین حال برای آن هویت تاریخی نیز به همراه داشته است، منجر شود. با این حال، افزایش اعتبار فضاهای شهری تاریخی در نزد مردم و شهروندان (در اینجا شهروندان تهرانی) از یکسو و تغییر دیدگاه مدیریت شهری در حفظ و ارتقای این جداره‌ها شرایطی را فراهم آورده است که می‌توان اشتیاق رو به‌تزايد جامعه را در حفظ ماهیت تاریخی بناهای تجاری مشاهده کرد. با این نگاه، حفاظت و به‌سازی جداره‌های تجاری تلاشی برد-برد محسوب می‌شود که علاوه بر افزایش میزان دعوت‌کنندگی فضا و متعاقباً تحریک اقتصادی در مقیاس خرده‌فروشی، شاهدی بر مدعای تلاش موفق در جهت احیای مراکز تاریخی شهری به‌شمار می‌رود. این مقاله بر آن است تا با مرور تجربه‌های جهانی و هم‌چنین اقدامات صورت گرفته در محور تاریخی ناصرخسرو تهران، چارچوب مناسبی را برای پاسخ‌گویی به سؤالات زیر در حین ارزیابی و برنامه‌ریزی برای

مرمت و حفاظت جداره‌ها آماده‌سازد. در نهایت، به‌رغم تمرکز این نوشتار بر موضوع جداره، اما این تذکر مهم را نباید از ذهن دور کرد که این کار باید در چارچوبی گسترده‌تر و با تمرکز بر حفظ و نگه‌داری کل ساختار معماری و بنای تاریخی صورت پذیرد؛ چراکه همواره این احتمال می‌رود که عدم توجه به تعمیر و نگه‌داری سایر اجزای ساختمان، صرف هزینه برای نمای تاریخی را بی‌اثر کند. بر این مبنای، این مقاله در پی پاسخ به پرسش‌های ذیل است:

- تعیین نوع مداخلات در جداره‌هایی که اصالت خود را حفظ کرده‌اند اما به لحاظ کالبدی دستخوش آسیب‌های جدی هستند، به چه صورت خواهد بود؟
- در مواجهه با جداره‌هایی که کاملاً به‌صورت مدرن بازسازی شده‌اند و مستنداتی در خصوص شکل اولیه آن در دست است، چه سیاستی را باید اتخاذ کرد؟
- آیا باید تغییرات را به حال خود رها کرد یا جداره را به شکل تاریخی آن بازگرداند و یا از نو طراحی جدید برای آن در نظر گرفت؟
- در صورت تغییر کاربری تجاری به سایر کاربری‌ها (علی‌الخصوص در طبقات)، آیا نمای اصیل در اولویت است یا نمای جدید باید با کاربری جدید هم‌خوانی داشته باشد؟

روش تحقیق

با توجه به زمینه و موضوع مطالعات صورت گرفته و نتایج حاصل از آن، روش تحقیق حاضر را می‌توان ترکیبی از روش تاریخی و تحقیق تجربی دانست. چراکه علاوه بر بررسی پیشینه تاریخی موضوع و تحلیل نحوه حادث شدن شرایط موجود، در جای خود، شرایط مختلف مرتبط با منظر شهری نظیر مداخلات یا محافظت بررسی شده و نتایج آن بر یک متوال مشترک ارزیابی و در قالب نوشتار حاضر عرضه شده است. برداشت میدانی و مصاحبه با صاحب‌نظران و عامه مردم به‌عنوان ابزار این تحقیق به کار گرفته شد.

مبانی نظری پژوهش

در ابتدا باید دو مقوله سربرآوردن جداره‌های تجاری تاریخی و رویکرد حفاظت از آن‌ها را، موضوع‌هایی جدای از هم دانست و هر یک را در جای خود بررسی کرد. تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته، درس‌هایی عینی برای شهرسازی کنونی فراهم می‌کند. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان، گذشته را بیهوده فرض کرده است. انسان در یک کلمه، طبیعتی ندارد، آنچه دارد، تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی آن است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز شود. چندین هزار سال است که حیوانات روز خود را همانند

افزایش یافت. همین امر باعث شد که بلدیۀ تهران به زعامت کریم‌خان بوذرجمهری در سال ۱۳۰۹ شمسی دستور به تخریب باروها و گسترش شهر دهد؛ هم‌چون مرحله پیش، باروها و خندق، محلی برای احداث خیابان‌ها و بلوارهای عریض شدند. هم‌چنین خیابان‌های تازه‌ای از میان بخش‌هایی از بافت قدیمی شهر که کثیف، بدمنظر و پرتردد بودند عبور کرد. فشار بر نهادهای سنتی نظیر بازار - گذرهای قدیمی بازار به دلیل غیرقابل استفاده بودن با اتومبیل مورد تهدید بازسازی قرار گرفته بود □، خرده‌فروشان و کسبه بازار را وادار کرد تا آنجا را ترک و تجارت خود را به حاشیه خیابان‌ها منتقل کنند (مدنی پور، ۱۳۸۱). خیابان ناصرخسرو تهران که به عنوان پرچمدار نسل اول خیابان‌های تجاری در شهرهای ایران محسوب می‌شود، این‌گونه شکل گرفت. این سبک از معماری شهری، برخلاف معماری سنتی ایرانی روی به سمت خیابان داشت. ساختمان‌های این دوره معمولاً در دو طبقه شکل گرفتند که طبقه همکف آن تجاری و طبقه بالا به کاربری مسکونی، اداری یا صنفی بازرگانی اختصاص یافت. پوشش طبقه اول به صورت طاق یا تیرپوش بود و در طبقه دوم از ترکیب سازه تیرپوش و شیروانی استفاده می‌شد (ذکاوت، ۱۳۷۵). این جداره‌ها به تبعیت از معماری اروپایی و به‌طور خاص سبک نئوکلاسیک، خط آسمان ثابت و ارتفاع یکسان دارند و در عین حال از نظم و تقارن بهره‌مند هستند (اعتصام، ۱۳۷۵). پلان فضاهای فوقانی بسیار ساده بود و با یک مسیر خطی، تعدادی اتاق به هم متصل می‌شدند. بالکن به‌عنوان عامل اساسی به نما اضافه شد و روی موقعیت ورودی، تأکید ویژه‌ای شد. با بررسی پلاک‌های مجاور محور ناصرخسرو می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که تنها عامل محدودیت ارتفاع در این ابنیه، ضعف در فناوری ساخت است.



تصویر شماره ۱: وضعیت بخش از جداره تجاری یک خیابان در تهران، اواخر دوره پهلوی اول؛ مأخذ: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

فقدان تجربه شهرسازی در سبک جدید می‌توانست به افزایش آشفتنگی منظر شهری دامن بزند؛ بلدیۀ تهران که نسبت به این موضوع وقوف داشت، دست به وضع ضوابطی برای کنترل شرایط زد. در اعلان‌های بلدیۀ که در روزنامه اطلاعات آن دوره به چاپ رسیدند، مشاهده می‌شود که علاوه بر دستورالعمل‌های مرتبط با معماری، بر نحوه استفاده از مصالح و عدم تقلید صرف

گذشته آغاز می‌کنند، اما در مورد انسان‌ها قطع استمرار تاریخی، تحقیر حیات گذشته اوست. به گفته پوپر «ما تحقیقی را انتخاب می‌کنیم که سابقه‌ای از تکامل علم در پشت آن نهفته است و سعی در ادامه آن داریم. باید از آنچه که گذشتگان انجام داده‌اند بهره‌گیریم، در غیر این صورت در هنگام مرگ هنوز مانند آدم و حوا رفتار خواهیم کرد. اگر بخواهیم در علم پیشرفت کنیم باید بر روی شانه پیشکسوتان بایستیم و سنت خاصی را ادامه دهیم». جوهر جامعه و توسعه آن به سنت پیوند خورده است. همان‌طور که فرضیه برای کشف واقعیت‌ها در علم به کار می‌رود، سنت همین نقش را برای جامعه دارد. گرچه سنت قابل نقد و تغییر است، اما نظمی خاص ایجاد می‌کند و مبنایی برای عمل قرار می‌گیرد (Rowe & Koetter, 1978: 118-122). با این نگاه، الگوی حفاظت از منظر شهری نه تنها به حفظ هویت و سنت می‌انجامد، بلکه می‌تواند آینده را برای نسل‌های بعدی پر معناتر سازد.

خیابان تجاری با این مفهومی که امروز از آن تصور داریم، موضوع جدیدی در شهرهای ایرانی محسوب می‌شود؛ البته اگر خیابان‌کشی صفوی مشهد (بالا خیابان) با محوریت تجاری آن را نادیده بگیریم. نخستین خیابان‌کشی‌ها در تهران به بعد از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و مشاهده مصادیق نوگرایی در شهرهای اروپایی بازمی‌گردد. در این سفرها خطوط ارتباطی آبی، قطارهای مسافری و ایستگاه‌های شیشه‌ای و فلزی، خط آهن، سیستم تراموا در تمامی شهرها از یک سو و وجود بلوارهای عریض با ساختمان‌های چند طبقه متحدالشکل که در سمت مقابل خود بوستان‌های شهری دارند یا بلوارهایی که در دو سو ساختمان‌هایی با عملکرد مشابه داشتند (پایین تجاری، بالا مسکونی)، عواملی بودند که ناصرالدین شاه را عاشق دل‌خسته خود کردند (اعتصام، ۱۳۷۵). مقایسه شهر دلگیر تهران با کوچه‌های تنگ و بوی بد و حصار تهماسبی آن با آنچه ناصرالدین شاه در فرنگ می‌بیند، وی را وادار می‌کند تا شهری جدید بنا کند. تراموا به واگن اسبی، قطار به ماشین دودی تبدیل می‌شود. حصار جدید هندسی ایجاد می‌شود. در این میان، محل خندق قدیمی نیز به خیابان ناصریه تغییر هویت پیدا می‌کند و بخشی از حصار نیز تبدیل به فضاهای تجاری می‌شوند (اروجی، ۱۳۷۵). این اصول نوسازی شهری عمدتاً بی توجه به الگوهای تاریخی و بی توجه به ارزش‌های درون‌زای فرهنگی اعمال می‌شد (پوراحمد، فرجی ملایی، منوچهری، و عظیمی، ۱۳۹۰). با این حال، این تازه شروع شکل‌گیری محوری تجاری غیر از بازار و با شکل مدرن آن بود. تفکرات نوگرایانه و باستان‌گرایانه دوره رضاشاه، به این تغییرات و جریان شکل‌گیری فضای تجاری جدید دامن زد (محمودکلیه، آذری، و حناچی، ۱۳۹۲). به‌رغم توسعه مرزهای شهر تهران در عصر ناصرالدین شاه به میزانی بیش از آنچه واقعاً نیاز بود، میزان تراکم انسانی از ۴۳/۵ نفر در سال ۱۲۶۲ شمسی به ۱۰۵ نفر در سال ۱۳۱۱ شمسی



تصویر شماره ۲: جوی استریت واقع در بارنز تاپل، دیوون شمالی. یک نمای بازسازی شده در مقابل یک فروشگاه خرده‌فروشی اجرا شده است؛ مأخذ: رجاردن، ۱۳۹۷: ۱۹

در دهه‌های نخستین قرن ۱۹ میلادی، نمای تجاری در کنار ویرین‌ها، درهای تک یا دو لنگه‌ای با عقب‌نشستگی داشتند که علاوه بر محافظت در برابر عوامل آب و هوایی، فضای نمایش کالا را بیش‌تر می‌کردند. برای قاب‌بندی از عناصر سازه‌ای لاغر چدنی یا چوبی به جای جرزهای بنایی استفاده می‌شد. اغلب یک کتیبه یا یک مجموعه از کتیبه‌ها (تشکیل شده از یک یا چند جام شیشه‌ای) بالای هر پنجره یا در قرار می‌گرفت. تابلوی بالای نمای فروشگاه تبدیل به قسمتی مهم از بنا شد. سایه‌بان‌های کرباسی (بعضاً از جنسی دیگر) معمولاً بر نماهای فروشگاه‌ها در اواخر قرن ۱۹ سایه می‌افکندند (HISTORIC PRESERVATION REVIEW BOARD, 2010). استفاده از آهن برای نمایش نوگرایی به شدت افزایش یافت. از سال ۱۸۵۰ تا ۱۹۰۰ میلادی، تحولات شگرفی در طراحی جداره‌های تجاری رخ نداد. در اوایل قرن ۲۰ میلادی، کتیبه‌های روشنایی و بعضاً بازشو (با هدف تهویه) به پیشانی نمای فروشگاه‌ها اضافه شد. لامپ‌های نئونی که به‌عنوان اختراع جدید به کار گرفته می‌شدند، علاوه بر جلب مشتری، به جداره تجاری حیات شبانه دادند؛ تاثیر این پدیده را می‌توان در چند دهه بعد در دستورالعمل‌های ابلاغی بلدیة تهران، مشاهده کرد. در دهه‌های نخست این قرن، تنوع مصالح به کاررفته در نمای ساختمان دیگر محدودیتی برای خود نمی‌دید. خلاقیت در چیدمان ویرین، فراگیر شدن لامپ‌های نئونی چشمک‌زن و تابان،

در پلاک‌های مجاور تأکید شده است. از سوی دیگر، تغییر در تفاوت ظاهری فضای تجاری از حجره به فروشگاه مدرن باعث می‌شد که دستورالعمل‌هایی در این خصوص نیز اعلان شود.

برای مثال، در سال ۱۳۰۷ خورشیدی بلدیة دستور داد که صاحبان مغازه‌ها باید جلوی مغازه در و پنجره شیشه‌ای نصب کنند. در سال ۱۳۱۱، احداث بنا در جبهه معابر عمومی بدون مجوز کتبی از بلدیة ممنوع شد و مالکان باید ابتدا نما را به تصویب مهندسان معمار نقشه می‌رساندند. دیوار خشتی و چینه‌ای و کاه‌گلی بدون روکش نیز ممنوع شد. در سال ۱۳۱۸ و در بیانیه بلدیة، اصلاح نمای ساختمان‌ها، یکدست کردن تابلوهای جورواجور و تهیه نشون در خیابان اصلی در دستور کار قرار گرفت. هم‌چنین به مالکان خیابان‌های شاه و لاله‌زار دستور داده شد برای مستغلاتی که فاقد مزایای لازم هستند، عمارت‌هایی که غیر جالب ساخته‌اند یا عمارت‌های قدیمی و کهنه، نقشه‌ای توسط مهندسین یا معماران دیپلمه تهیه و با تصویب شهرداری شروع به اصلاح نمای ساختمان‌های خود کنند (صفا منش و منادی‌زاده، ۱۳۷۸).

در غرب اما فضاهای تجاری بدین شکل قدمت بیش‌تری دارند؛ طی قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ میلادی، بنگاه‌های تجاری عمدتاً در طبقه همکف ساختمان‌های مشرف به خیابان قرار می‌گرفتند و به‌واسطه مقیاس درها و پنجره‌های شان، اغلب از خانه‌های مجاور خود قابل تشخیص نبودند. با این حال، بعضاً با عناصری چون دهانه‌های بزرگ یا پنجره‌های بیرون زده بالکنی، مغازه‌ها از فضاهای مجاور خود منفک می‌شد. سایه‌بان‌های چوبی و کرباسی و تابلوهایی روی دیوار کناری، از دیگر عناصر معماری نمای بناهای تجاری اولیه بودند. طبقه همکف بنگاه‌های تجاری بزرگ (به‌خصوص در دهه اول قرن ۱۹) توسط فضاهای منظم، جرزهای سنگین سنگی یا آجری که با درهای لنگه‌ای یا ارسی‌هایی با جام‌های کوچک تشخیص می‌یافتند. ورودی‌ها به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیر نما، معمولاً کمی عریض‌تر و هم‌سطح سایر بازشوها تعبیه می‌شدند. تسهیل تأمین چدن بعد از سال ۱۸۴۰ میلادی به تغییر در طراحی نمای فروشگاه‌ها کمک کرد؛ زیرا معماران شروع به استفاده از ستون‌ها و نعل درگاه‌های آهنی در طبقه همکف کردند (Toman, 2000). پیشرفت‌های مشابه در صنعت شیشه اجازه ساخت جام‌های بزرگ شیشه را با قیمتی معقول می‌داد. ترکیب این دو دستاورد فنی منجر به شکل‌گیری نماهایی تجاری شد که ما امروزه می‌شناسیم. تبلیغات تجار و فروشندگان به همراه محصولات‌شان در نمای بنا و ویرین، در فضای تجاری و رقابتی مرکز شهر به سرعت تبدیل به عامل مهمی شد. با افزایش مهارت آهنگران و ظهور سبک‌های تزئینی معماری، نماهای چدنی با جزئیات ایتالیایی، گوتیک و نیزی و دوره دوم امپراتوری فرانسه ساخته شدند (پوربهادر و فدائی‌نژاد بهرام‌جردی، ۱۳۹۷).

تاریخی باشند که آن را فارغ از سایر بخش‌های کالبدی اثر که نما به آن الحاق شده است، شایسته نگه‌داری می‌کند. هم‌چنین، در طی آماده‌سازی بنا برای استفاده مجدد ممکن است تا این‌گونه احساس شود که ویژگی محدوده تاریخی می‌تواند از طریق بناهای جدیدی که دارای نمایی منطبق با الگوی تاریخی هستند یا نماهایی که با الهام از سبک‌های تاریخی طراحی شده‌اند، به بهترین شکل حفظ شده یا ارتقا یابند (Rifkind, 1977). ممکن است که وجود چنین بناهایی برای حفظ ظاهر و هویت محدوده مورد نظر ضروری باشد و طراحی فضای داخلی آن و ایجاد تغییرات برای اعطای کاربری، تنها به‌منزله ابزاری برای اطمینان از حفظ و بقای بنا باشد. در نهایت، استفاده از عناصر ویژه سبکی که در طراحی بناهای پست‌مدرن مشاهده می‌شود، تلاشی برای دستیابی به رویکرد توسعه زمین‌گرا درون مناظر شهری تاریخی محسوب می‌شود (Richards, 1994). در توصیه نامه منظر شهری تاریخی (۲۰۱۱ م.) حفظ میراث شهری و حفاظت از منابع، راهبردی برای رسیدن به تعادل میان توسعه شهری و کیفیت زندگی پایدار معرفی شده است. در این سند «میراث شهری» شامل مؤلفه‌های ملموس و ناملموس به مثابه منبعی اصلی در ارتقای سرزندگی مناطق شهری و ترویج توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی در محیط جهانی در حال تغییر به شمار می‌آید».

تبیین چارچوبی برای مداخله

تاکنون طرح‌های زیادی برای احیای مراکز تاریخی شهری در ایران و به‌خصوص تهران تهیه شده است؛ برای مثال برای محدوده خیابان ناصرخسرو، طرح‌هایی چون به‌سازی نما در اوایل دهه ۱۳۷۰ خورشیدی، پیاده‌راه‌سازی دهه ۱۳۹۰، اصلاح گذر مروی و در نهایت پروژه اجرایی به‌سازی جداره‌های تجاری تاکنون تهیه و اجرا شده است؛ در کنار این طرح‌های موضعی، شمار زیادی طرح‌های کلان‌مقیاس نیز وجود دارند که تا حدودی به این محدوده پرداخته‌اند. چنان‌چه قرارگیری در مجاورت مجموعه کاخ گلستان که به‌عنوان تنها اثر دارای ثبت جهانی در شهر تهران و محدودیت‌ها و ضوابط ناشی از قرارگیری در حریم این اثر نیز در نظر گرفته شود، موضوع پیچیده‌تر خواهد شد؛ همه این طرح‌ها به دنبال جذاب‌سازی محیط و ارتقای کیفی فضا به لحاظ کف‌سازی، مبلمان و جداره‌های تجاری تاریخی بودند. در این جا بخشی از اصولی را که به‌عنوان مبنای طراحی و برنامه‌ریزی این محدوده بودند، مرور می‌شود. این اصول مجموعه‌ای از ایده‌های ساده بودند که گوناگونی در طراحی بناهای جداگانه را تقویت و انسجام کالبدی - عملکردی ساختمان‌ها را حفظ کرده‌اند تا تصویری واحد برای مرکز شهر ایجاد کنند. این اصول ابزاری منعطف، اجرایی و مؤثر هستند که به دنبال تأمین محیطی جذاب در مرکز شهر هستند. طی مداخلاتی که در ادوار مختلف بر این

ترکیب توأمان تابلوها و کتیبه‌ها، استفاده از رسم‌الخط‌های متنوع برای تابلوها و در نهایت نورپردازی حرفه‌ای، از افزوده‌های نیمه نخست قرن بیستم به جداره‌های تجاری بودند (Jandl, 1982). نمایی که امروزه در غرب به دنبال تثبیت و احیای آن هستند، تقریباً چیزی پس از افزوده‌های این دوره را شامل نمی‌شود. طبق برخی مطالعات میدانی، بیش‌ترین تأثیر در بین عناصر تأثیرگذار منظر روی شکل‌گیری و تقویت هویت، به جداره‌های شهری اختصاص دارد (ضرغامی و امینیان، ۱۳۹۱).



تصویر شماره ۳: تفاوت نمای اصلی با نمای جانبی قدیمی‌تر عمارت پروئل در بریستول؛ مأخذ: ریچاردز، ۱۳۹۷: ۱۴

تا بدین جا، ریشه‌های شکل‌گیری جداره‌های تجاری به همراه توصیفی از آن‌چه باید حفظ شود، ارائه شد؛ اما ظهور اندیشه‌های حفظ و احیای این جداره‌های تجاری قدمت چندانی ندارد. از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، یکی از دغدغه‌های اصلی مقوله حفاظت شهری در غرب به حفظ و ارتقای ویژگی و ظاهر عناصر شاخص فضاهای مصنوعی که از لحاظ تاریخی و معماری دارای ارزش‌های بالایی بودند (نظیر راسته‌های تجاری) بازمی‌گشت و در این باره، تلاش می‌شد تا در طی فرایند تغییرات شهر، تمهیدات لازم برای تداوم حیات این عناصر در نظر گرفته شود. این عناصر ارزشمند شامل تمامی بخش‌هایی که به‌نوعی منظر شهری محسوب می‌شوند، مجموعه‌های تاریخی، تک بناها و بخش‌هایی از بناهای تاریخی می‌شد (Heller, 2007). نماهای این ساختمان‌ها می‌توانند دارای ارزش‌ها و کیفیات زیبایی‌شناسانه ذاتی یا دارای نوعی پیوستگی

ارزیابی اولیه

کلید موفقیت در به‌سازی جداره‌های تجاری تاریخی یا هر نوع نمای تاریخی دیگر، برنامه‌ریزی و انتخاب روش‌های درمانی حساس به ماهیت معماری اثر است؛ از این رو به‌عنوان اولین مرحله، ارزیابی و شناسایی مصالح سازه‌ای نمای تجاری موجود، عناصر معماری و ارتباط آن با طبقات فوقانی است. این ارزیابی اجازه درک بهتر نقش و اهمیت نمای هر یک از آثار را با در نظر گرفتن طرح کلی محور تاریخی فراهم می‌کند. بررسی دقیق شرایط کالبدی نمای تجاری برای مشخص کردن وسعت و ماهیت اقدامات از اهمیت یکسانی برخوردار است (HISTORIC PRESERVATION REVIEW BOARD, 2010).

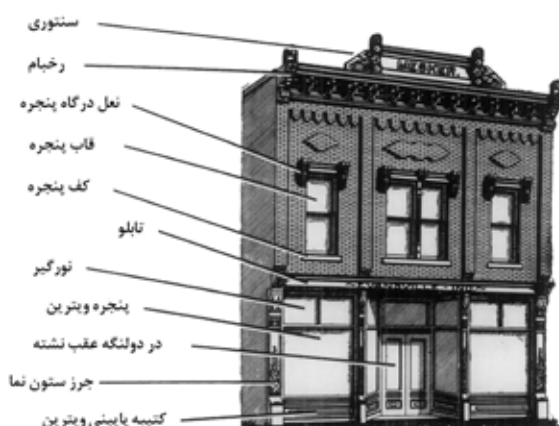
در خصوص ستون‌ها یا جرزهای نگه‌دارنده، بررسی‌هایی باید به لحاظ شکلی (جرز سبک یا سنگین)، هم‌تراز بودن یا تفاوت سطح آن با ویرین‌ها و همچنین نقش سازه‌ای و تزئینی جرزها صورت گیرد. ویرین‌ها و کتیبه‌ها نیز در این بررسی‌ها به لحاظ مواردی چون استفاده از شیشه‌های یک‌تکه، نحوه اجرا به لحاظ عقب‌نشستگی‌های سطحی، نوع پنجره‌ها و سطح نور طبیعی، ارزیابی می‌شوند. ورودی‌ها نیز از نظر اصلی بودن، موقعیت دعوت‌کنندگی نسبت به بنا، تمایز موضعی یا موردی، الحاقات و تغییرات ادوار مختلف مورد بررسی قرار خواهند گرفت. عناصر تزئینی به‌عنوان بخشی از مهم‌ترین عوامل هویت‌بخش به‌نما به همین ترتیب مورد بررسی قرار خواهند گرفت. رخ‌بام‌ها، سرستون‌ها، گچ‌بری‌ها، طاقچه‌ها، کاشی‌کاری‌ها و سایه‌بان‌ها در زمره این عناصر قرار می‌گیرند (Jandl, 1982). ارتباط نمای تجاری با طبقه فوقانی، تفاوت‌ها، انسجام کالبدی میان این دو و میزان ارتباط تزئینات بخش تجاری با سایر بخش‌های ابنیه باید به همین ترتیب مورد بررسی قرار گیرد. انجام مطالعات مفصل در خصوص تشابهات هر یک از پلاک‌ها نسبت به سایر پلاک‌ها (سایه‌بان‌ها، روشنایی، تابلوها) و تمایزات آن‌ها نسبت به یکدیگر ضروری است. این مسئله به تشخیص اهمیت هر یک از ابنیه به‌صورت منفرد یا در ارتباط با سایر ساختمان‌ها کمک می‌کند (Gelbloom, 1978). به‌بیانی دیگر، تشخیص این که هر بنا از ابتدا جزئی از منظر شهری بوده است یا خیر، از این طریق میسر می‌شود.

بررسی شرایط کالبدی

پیش از هرگونه ارائه راه‌کار، بررسی وضعیت کالبدی در قالب آسیب‌شناسی به ارائه راه‌کارهای بهتر کمک شایانی می‌کند. دسته‌بندی فرسایش کالبدی به سه گروه خفیف، متوسط و شدید، کار ارزیابی را تسریع خواهد کرد.

فرسایش و آسیب‌های خفیف عموماً تنها به درمان‌هایی در حد تعمیر و نگه‌داری نیاز دارند. نیاز مصالح‌نما به تعمیر، پوسته‌شدگی رنگ، زنگ‌زدگی اجزای فلزی، نیاز مجدد به

جداره‌ها رخ داده است، سیمای یکپارچه و منظر شهری این محور از بین رفته و حتی مرمت‌هایی نادرست صورت گرفته‌اند که تعلق ابنیه مجاور به یک هویت واحد را زیر سؤال می‌برند. به‌رغم تمام این تحولات، اکثر ابنیه ویژگی‌های اصلی خود را حفظ کرده‌اند و امکان احیای آن‌ها و نوزایی محیط جذاب شهری در این محور کماکان میسر است. اصول مذکور بر مبنای مرمت سبکی نبوده و تنها به دنبال احیای ماهیت اصلی جداره‌ها به بهترین شکل ممکن است. معمولاً فعال‌ترین بخش از نمای ساختمان، فضای تجاری و همکف آن است که به‌واسطه کاربری اقتصادی و مجاورت با پیاده‌روها، بیش‌ترین توجه عابران و متعاقباً مداخلات، متوجه آن‌ها است. تغییر بهره‌بردار، الگوهای فرهنگی، مدهای تجاری و فناوری باعث تشدید تغییرات معماری در نمای تجاری شده است. نسل به نسل، نماهای تجاری دست‌خوش تغییر می‌شوند، درحالی‌که معمولاً قسمت‌های فوقانی ساختمان به همان شکل سابق باقی مانده یا رها می‌شوند و بعضاً در مسیر فرسایش و تخریب قرار می‌گیرند. تناوب این تغییرات، مشکلات اصلاح فضاهای تجاری را تشدید می‌کند و شناسایی این مداخلات و دوره‌بندی آن‌ها، اهمیت زیادی می‌یابد (Sharon, 1980). پیش از تجویز هر راه‌کار، شناخت سبک ساختمان و جزئیات نما از اهمیت بالایی برخوردار است و از تصمیم سریع درباره نما اجتناب می‌شود. برخی از ریزه‌کاری‌هایی که در زمان خود ارزشمند بودند، در صورت نبود نمونه تاریخی، نیازی به رجعت سبکی ندارند. حفظ ماهیت نما به‌رغم تغییر کاربری ضروری است. استفاده از مصالحی که در زمان ساخت جداره تجاری وجود نداشتند (نظیر آلومینیوم، شیشه‌های بازتابنده و آئینه‌ای، سنگ مصنوعی و غیره)، به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود (Rome Main Streets Alliance, 2017). انتخاب رنگ باید بر اساس شواهد تاریخی صورت گیرد. سطوحی که هیچ‌وقت رنگ نشده‌اند، نباید با رنگ پوشانده شوند. تنوع رنگ در هر جداره، از کیفیت فضایی آن می‌کاهد.



تصویر شماره ۴: عناصر متداول در نماهای تجاری تاریخی؛ بررسی اجمالی مصالح، عناصر و ارتباط آن‌ها با طبقات فوقانی جداره‌های تجاری می‌تواند به تشخیص نمای اولیه بنا و تغییرات صورت گرفته در آن کمک کنند؛ مأخذ: Knibbe, 1981: 15



گروه	نوع زائده	کد	نوع عملیات				
			حذف	تعمیر و بازسازی	جایگزینی	اصلاح و تکمیل	اصلاح جزئی
شیشه نوشته		GD1					
		GD2					
		GD3					
		GD4					
		GD5					
		GD6					
		GD7					
		GD8					
استند		SG1					
		SG2					
		SG3					
سنگ کاری		ST1					
		ST2					
		ST3					
		ST4					
		ST5					
		ST6					
	BE1	بالکن و پیشروی					
در کرکره ای		FD1					
		FD2					
		FD3					
		FD4					
انبارنمایان		SE1					
		SE2					
	EA1	زوائد متفرقه					

جداره ساختمان (BF)

گروه	نوع زائده	کد	نوع عملیات				
			حذف	جایگزینی	اصلاح و تکمیل	اصلاح جزئی	جدید
سیستم سرمایش (MU)		CS1					
		EW1					
سیستم کشی برق (BU)		EW2					
		AW1					
آنتن و سیم آنتن (BU)		AW2					
		FC1					
پنجره ساختمان (BF)		BW1					
		BW2					
		BW3					
		BW4					
		BW5					
		BW6					
		BW7					
ویرین مغازه (BF)		WS1					
		WS2					
		WS3					
		WS4					
نرده و حفاظ (BF)		WF1					
		SS1					
تابلو مغازه (BF)		SS2					
		WG1					
شیشه ها (BF)		WG2					
		WG3					
		WG4					
		WG5					
		WG6					
		WG7					
	ED1	درها و ورودی ها					

تصویر شماره ۵: نمای یک جداره تجاری (ساختمان سرای روشن در خیابان ناصرخسرو) متعلق به اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی نخست که در آن الحاقات زیادی ایجاد شده است. در اینجا به دلیل آنکه الحاقات دوره‌های بعد فاقد هرگونه ارزش معماری و تاریخی بودند به‌طور کامل کدگذاری، شناسایی و حذف شدند؛ ماخذ: نگارندگان

تابلوهای ساختمان‌های همسایه باید با هم متجانس باشند. نیازی نیست که شبیه به هم باشند، اما نباید رنگ، اندازه و طراحی شان در تضاد با یکدیگر باشد. در نهایت، هر یک از تابلوها باید دارای کیفیت بالای طراحی، مواد و مهارت در ساخت باشد. تابلوی ساده اما خوش ساخت، بسیار مطلوب‌تر از تابلوی عجیب و پر خرج است که ظاهری شلوغ داشته باشد. استفاده از تابلوسازان مستعد محلی، باعث تولید تابلوهایی با کیفیت می‌شود که ارتقای ماهیت هر بنا به صورت مجزا و خیابان به عنوان یک مجموعه یا کل واحد را در پی دارد (Rome Main Streets Alliance, 2017).



تصویر شماره ۶: تغییراتی از جمله اجرای پوشش فلزی، تغییر ابعاد تابلوها و سایبان‌ها که در طول سالها در جداره تجاری ناصرخسرو ایجاد شده است. ساماندهی جداره این آثار مستلزم طرح و برنامه دقیق و اقداماتی از جمله حذف تابلوها و الحاقات نادرست و انتخاب رنگ مناسب و همخوان با روحیه تاریخی این خیابان خواهد بود تا از این طریق باعث افزایش کیفیت بصری و محافظت از حس مکان و زمان در محدوده طرح شود؛ مأخذ: نگارنده گان

ویترین: ویترین نماهای تجاری، نقش مهمی در منظر مرکز شهر تاریخی دارد. ویترین مناسب بهترین تبلیغ است که به مشتریان بالقوه، اطلاعات می‌دهد و آن‌ها را جذب می‌کند؛ به علاوه در سرزندگی بصری خیابان نیز تأثیر دارد و آن را به مکانی هیجان‌انگیز و جذاب تبدیل می‌کند. در طراحی ویترین، ۳ مقوله مخاطب، کالا و پیام را باید مد نظر داشت. ویترین به عنوان بخشی از نمای ساختمان دیده می‌شود و از این رو، باید به درستی با نما هماهنگ باشد. هرچه نمای فروشگاه ساده‌تر باشد، طراحی

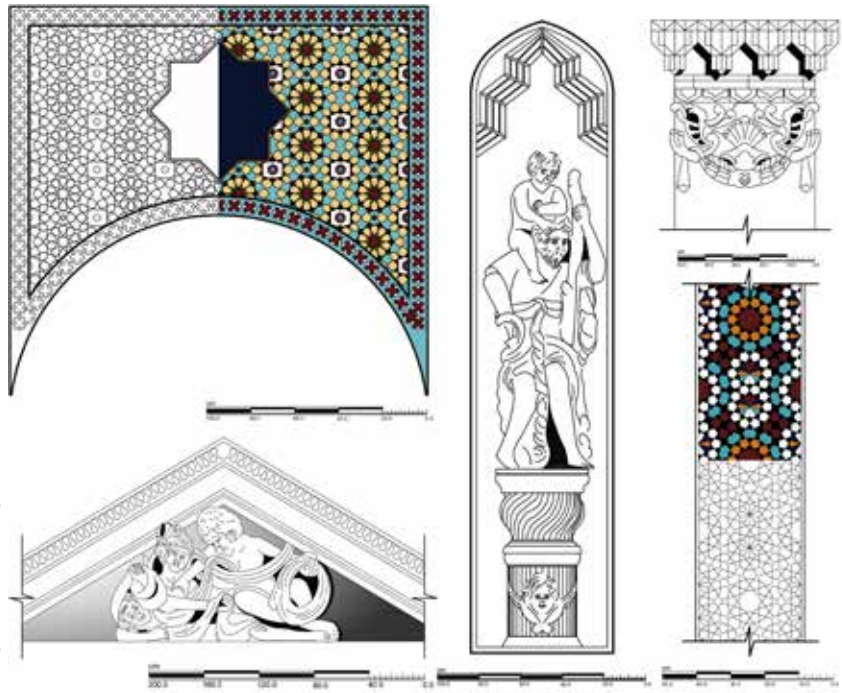
دorzندی بازوها از جمله فرسایش‌های خفیف محسوب می‌شوند. آسیب‌ها و فرسایش متوسط به مواردی چون لزوم تعویض مصالح با جایگزین‌های هماهنگ، نیاز به بندکشی و لکه‌گیری، شرایط آب‌بندها و اتصالات، وضعیت سیستم تهویه و مواردی از این دست اشاره دارد که عمدتاً با تعویض‌های کوچک مقیاس یا تعمیراتی از جنس وصله‌زنی قابل رفع هستند (Weir, 2008). آسیب‌های جدی به مواردی چون تخریب مصالح در نتیجه وندالیسم، نشت یا نفوذ آب تا مرحله تخریب مصالح به صورت غیرقابل تعمیر، از بین رفتن یکپارچگی سازه‌ای، کمانش، از بین رفتن اجزای باربر مربوط می‌شود و برای درمان، اصلاحات اساسی و جایگزینی کامل اجزا در دستور کار قرار می‌گیرد (Jandi, 1982).

پیش از تصمیم‌گیری بر مبنای ارزیابی در خصوص حفاظت یا تغییر نمای تجاری، به عنوان اندیشه‌ای راهبردی باید پذیرفت که طرح مناسب می‌تواند به هر دوره‌ای تعلق داشته باشد (Henry, 2013)؛ برای مثال، جداره متعلق به دوران پهلوی نخست یا حتی دوم، الزاماً از جداره قاجاری کم‌ارزش‌تر نیست و گاه ارزش بیش‌تری نیز دارد؛ حتی اگر این نمای متأخر، به نمای تاریخی و قاجاری الحاق شده باشد. تنوع سبک و جزئیات از دوره‌های مختلف، به هویت محور تجاری کمک می‌کند. نمی‌توان حذف جداره‌ای مدرن از میان جداره‌هایی کلاسیک را به عنوان بهترین راه کار حفاظتی دانست. اگر طراحی نمای تجاری نماینده شایسته‌ای از سبک معماری دوران خود باشد و در طول زمان قدر و منزلت یافته باشد، باید در قالب ارزیابی تاریخی از بنا، مدنظر قرار گیرد و بر حفظ آن کوشید؛ این تمایزات معماری می‌تواند به مثابه مزیت اقتصادی عمل کند، چراکه خود موجبات جلب توجه به سمت ساختمان را فراهم می‌کند.

چارچوب طراحی

پیش از تعیین دستورالعمل‌های مداخلاتی، تعریف چارچوب منعطف و منطقی در خصوص برخورد با یکایک عناصر معماری بدنه تجاری تاریخی ضرورت دارد؛ از این رو، پیشنهادهای زیر به عنوان مبانی و چارچوب طراحی هر یک از این اجزا در نظر گرفته شد.

تابلوها: نسبت تابلوها به معماری باید به گونه‌ای باشد که تصویری مثبت از مشاغل جداگانه و محور تجاری به عنوان یک مجموعه ایجاد کند. طراحی آن باید متناسب با نمایی باشد که روی آن نصب شده است؛ ابعاد آن باید به گونه‌ای باشد که سراسر نما را پوشش ندهد و به جای اینکه عنصری الحاقی از جداره باشد، بخشی از نمای کلی به نظر بیاید. به همین ترتیب، هیچ یک از جزئیات معماری نباید با تابلو پوشانده شود. هماهنگی میان تابلوهای جداره با هم نیز حائز اهمیت است و باید به گونه‌ای طراحی شوند که گویی متعلق به یکدیگرند. در هر پلاک با عرض معمول، نباید بیش از ۲ یا ۳ تابلو وجود داشته باشد.



تصویر شماره ۷: چند نمونه از مستندنگاری‌های صورت گرفته از تزئینات خیابان ناصرخسرو؛ تزئینات موجب تقویت ماهیت تاریخی شهر شده و غنای حاصل از آن با هیچ حربه دیگری قابل دستیابی نیست. انجام مستندنگاری دقیق از تمامی این جزئیات و ارائه راه کارهای مرمتی، می تواند ابزار مناسبی برای حفاظت از منظر شهری به شمار رود.
مأخذ: ترسیم: نگارندگان

مدرن با تزئینات زیاد به هیچ وجه توصیه نمی شود. در خصوص پنجره‌ها، بازسوی پنجره هیچ گاه نباید تغییر کند؛ اگر برای قاب از مصالحی به جز چوب استفاده شده باشد، باید تا حد ممکن رنگ و جزئیات آن با اصل هماهنگ باشد. هم چنین در تعمیرات حتماً از شیشه‌های دو جداره استفاده شود.

تزئینات: هرگونه تزئینات تاریخی موجود باید حفظ شود. این تزئینات موجب تقویت ماهیت تاریخی شهر می شود و به آن غنایی می بخشد که با هیچ حربه دیگری قابل دست یابی نیست. معمولاً طی تحولات ساختمان تجاری، جزئیات تزئینی اصلی به عنوان بقایای بصری دست نخورده باقی مانده یا با عناصر الحاقی جدید پوشانده شده است. در هر صورت، حفظ، احیا، مرمت، تکمیل و بازسازی این تزئینات ضروری است (NYC Small Business Service, 2008).

راهبردهای اجرایی

ارزیابی عناصر معماری نمای تجاری در محور تاریخی و شرایط کالبدی آن می تواند در تشخیص بهترین سلسله اقدامات اجرایی در روند به سازی، بسیار مؤثر باشد. بر اساس مطالب گفته شده در بالا، می توان دو خط مشی اساسی در برخورد با جداره‌های موجود اتخاذ کرد.

- در صورت موجود بودن نمای اصلی یا ارزش مند، عناصر تاریخی را باید با استفاده از روش هایی که در ادامه بدان اشاره می شود، تعمیر و احیا کرد.

- در صورت از بین رفتن نمای اصلی یا ارزش مند یا شرایطی که امکان حفظ نما وجود ندارد، اتخاذ یک رویکرد مدرن به لحاظ مقیاس، طراحی، مصالح، رنگ و بافت در قیاس با سایر بخش های ساختمان، پیشنهاد می شود.

ویرترین منعطف تر خواهد بود (HISTORIC PRESERVATION REVIEW BOARD, 2010). باین حال، نباید از یاد برد که فارغ از چارچوب کلی که به انسجام جداره سازی مرتبط است، طراحی ویرترین واحد زیادی به سلیقه معمار بستگی خواهد داشت.

سایبان ها: در جداره های تجاری تاریخی، اغلب از سایبان هایی به جنس کتان و قابل جمع شدن استفاده می شد. در تابستان سایبان می توانست پایین تر آمده تا بر نمای فروشگاه سایه افکنده و آن را خنک تر سازد. بالا رفتن آن در زمستان به کنترل نور ورودی کمک می کند. در طول سال نیز برای پیاده رو سرپناه محسوب می شود. به علاوه، سایبان نشانه ای از الگوی تجاری در خیابان محسوب می شود. امروزه تنوع مصالح برای سایبان ها بسیار زیاد شده است. سایبان ها می تواند نقش مهمی در بازگرداندن هماهنگی بصری به خیابان های تجاری تاریخی ایفا کنند؛ به خصوص در بناهایی که نمای قسمت پایین و بالا ارتباط چندانی با یکدیگر ندارند، افزودن سایبان مناسب این تضاد بصری نامطلوب را به حداقل می رساند (Heller, 2007).

درها و پنجره ها: درهای نماهای فروشگاه های تاریخی، صرفاً کاربری ورودی نداشتند و تناسبات بزرگ مقیاس آن ها به همراه مصالح چوب و شیشه، موجب اعتبار آن ها می شد و به جلب مشتری کمک می کرد. ورودی نمای تجاری امروزی نیز باید نقش مشابهی را ایفا کند. در صورت امکان استفاده مجدد از درهای تاریخی توصیه شده و در غیر این صورت، بازسازی نمونه مشابه آن بلامانع است. در صورت نامشخص بودن الگوی در از درهای چوبی و شیشه ای ساده با طراحی سنتی استفاده شود. با جزئیاتی خاص مانند دستگیره برنجی زیبا، پاخور برنجی یا تابلوی رنگی جذاب می توان در را شاخص کرد. درهای تاریخی تقلبی یا درهای

در غیر این صورت، فرایند مرمت و بازسازی باید به دقت و بر مبنای مطالعات تاریخی و شواهد فیزیکی صورت پذیرد. چنانچه هیچ گونه شواهدی در خصوص شکل اصیل بنا در دست نباشد، نوعی طراحی که جنبه تجاری را نیز گوشه نظر داشته باشد، صحیح خواهد بود. طراحی و جزئیات اجرایی ساختمان جدید نباید به گونه‌ای باشد که توجه را از ساختمان‌های تاریخی منحرف کند؛ بلکه باید به ماهیت تاریخی موجود در تمام اینبه مجاور خود احترام بگذارد.

ساخت نمای جدید به تقلید از بناهای مجاور به لحاظ عناصر و جزئیات سنتی، به‌رغم ایجاد ظاهر تاریخی و ترکیب با بافت مجاور خود، از نظر برخی از کارشناسان به منزله دروغ تاریخی دانسته می‌شود، چرا که چنین بنایی هیچ‌گاه وجود نداشته است. به این دلیل طراحی بر اساس حدس و گمان، حتی اگر بر اساس ساختمان‌های مشابه در جاهای دیگر یا در همسایگی بنا باشد، توصیه نمی‌شود. با این حال، شرایطی وجود دارد که بر اساس اصول نماگرایی، حفظ منظر شهری منوط به چنین امری بوده و در طرح‌های کلان، انجام چنین کاری پیش‌بینی شده است؛ در این شرایط، جداره‌سازی با رعایت مواردی که مبنای آن خود موضوع مفصلی است، مجاز خواهد بود (Bargery, 2005).

در تعمیرات مربوط به مصالح بنایی، ابتدا باید عوامل فرسایش نظیر رطوبت صعودی و نزولی مشخص شوند. در برخی موارد بندکشی بخش‌هایی که ملات آن از بین رفته و امکان نفوذ رطوبت وجود دارد، ضروری است. ترکیب ملات جدید باید از شرایط شکلی و اصول مرمتی تبعیت کند. آجرهای متورق و تخریب شده یا سنگ‌های متلاشی شده را می‌توان با دانه‌گذاری یا وصله چسبانی مرمت کرد. بسیاری از آسیب‌ها به‌واسطه پاکسازی نادرست یا رنگ‌آمیزی‌ها متوالی هستند. بهترین روش پاکسازی، شستشو با آب کم فشار و مواد شوینده خنثی است. استفاده از روش‌های ساینده برای پاکسازی به‌هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود. پیش از شروع مداخلات، از تثبیت شرایط سازه‌ای اطمینان حاصل شود. رطوبت، تخریب انسانی، حمله حشرات و عدم تعمیر و نگهداری از جمله عوامل از بین رفتن چوب هستند. آسیب پوسته رنگ به معنای آسیب چوب نیست. با یک درفش می‌توان وضعیت چوب زیر رنگ را ارزیابی کرد. چوب سالم با حرکت درفش، به‌صورت تراشه‌های فیبری بلند از روی چوب جدا می‌شود. برای تعمیر جزئی چوب، می‌توان از وصله‌زنی یا استحکام بخشی با مواد شیمیایی و در نهایت پوشش‌های محافظ استفاده کرد (یونگر و شنیوند، ۱۳۸۹). در تعمیر چوب خشک شده، ابتدا باید آن را با پنتاکلروفنول ضدعفونی کرد و آن را با روغن بزرک جوشیده مالش داد. پس از بونه‌کاری و درزبندی، آستر و رنگ نهایی اجرا می‌شود. مطابق با نظریه‌های متخصصانی چون یونگر و شنیوند، چوبی را که بخشی از آن پوسیده شده می‌توان با تزریق

مواد شیمیایی (اپوکسی‌های نیمه خشک) تقویت و تثبیت کرد. تعویض قطعات بسیار پوسیده نیز کار چندان پیچیده‌ای محسوب نمی‌شود. به‌عنوان قانونی کلی، از برداشتن رنگ چوبی خارجی تاریخی غیر از مواقع کاملاً ضروری، باید پرهیز شود. در شرایط ضروری، می‌توان از روش‌های پوسته‌برداری با سشوار صنعتی، رنده دستی، مواد رنگ‌بر شیمیایی استفاده کرد که در آخری، پاکسازی کامل سطحی برای رنگ کردن بعدی لازم است.

در خصوص عناصر فلزی باید توجه داشت که نیاز یکی از اجزا به تعمیر، توجیهی برای تعویض گسترده این مصالح نیست. اگر چه ذات تعمیر به وسعت خرابی، نوع فلز و محل قرارگیری و هزینه کلی چنین تعمیراتی بستگی دارد، اما معمولاً تعمیر این بخش‌ها راه کار معقولی به شمار می‌رود (Gayle, W. Look, & Waite, 1980). معمولاً وصله‌زنی قطعات آسیب دیده با مصالح هم خانواده (برای جلوگیری از واکنش فلزات مختلف در کنار هم و پیشرفت فرسایش شیمیایی) با رعایت تمهیدات مربوط به مهاربندی و شمع‌کوبی، چندان دشوار نیست (HISTORIC PRESERVATION REVIEW BOARD, 2010). با توجه به توزیع شیشه‌های رنگی در بازار و تولید مجدد آن، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دهه‌های قبل در خصوص مرمت و تعویض این عناصر هم از بین رفته است. تا پیش از این، معمولاً به‌واسطه کمبود این شیشه‌ها به کارهایی چون بندزنی شیشه‌های شکسته رنگی اقدام می‌شد که امروزه دیگر نیازی به این کار نیست.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش حاضر، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که قدمت و تاریخ، به‌طور خاص به مناطق شهری هویت مشخصی می‌بخشند و تظاهر بیرونی این مناطق شهری از طریق نماهای شهری، کیفیتی حیاتی است که محافظت از این عناصر، بخش لاینفکی از فرایند حفاظت است. نماها عناصر شاخصی از مناظر شهری هستند که روی ادراک جامعه از محیط مصنوع، بسیار تأثیرگذارند. صحنه‌ها، مناظر، نقاط شاخص و نمادهای چشم آشنا، با اشارات مستتر در خود با مخاطبان ارتباط برقرار کرده و دامنه گسترده‌ای از احساسات را برای ایشان موجب می‌شود. البته باید در نظر داشت که کالبد قدیمی تر باعث می‌شود تا تصمیم‌گیری درباره حراست صرف نمای خارجی بنا مشکل‌تر شود، زیرا که قدمت و نادر بودن احتمالی فضای داخلی و عناصر آن، به همان اندازه نمای خارجی مهم است. حفاظت شهری باعث می‌شود که معانی خفته در منظر شهری به‌راحتی قابل تشخیص باشند، چراکه معنادار بودن منظر شهری ارتباط مستقیمی با درک آن از سوی مخاطب دارد. به این منظور، می‌توان حفاظت کالبدی از جداره‌های تاریخی و تجاری شهری را که به عنوان بخشی از فرایند حفاظت شهری در این جا به بحث گذاشته شد، رویکردی

۸. صفامنش، ک. و منادی‌زاده، ب. (۱۳۷۸)، «تحولات معماری و شهرسازی در فاصله سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۲۰»، **مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، جلد دوم، ۲۴۷-۲۷۳.
۹. ضرغامی، ا.؛ امینیان، م. (۱۳۹۱)، «هویت و منظر شهری (مطالعه موردی شهر پاکدشت)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ۴۹-۵۸.
۱۰. محمودکلاهی، س.؛ آذری، ع.؛ حناچی، پ. (۱۳۹۲)، «مدیریت ارزش‌گذاری در بافت‌های تاریخی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، جلد ۱۲، ۳۷-۴۴.
۱۱. مدنی پور، ع. (۱۳۸۱)، **تهران ظهور یک کلانشهر**، (ح. زرآوند؛ ترجمه)، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، تهران.
۱۲. یونگر، ا. و شنیویند، ب. (۱۳۸۹)، **حفاظت آثار هنری چوبی**، ترجمه ا. طارمیان، و. ع. کریمی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

13. Bargery, R. (2005), **The Ethics of Facadism; Pragmatism versus Idealism**, In J. Taylor, The Building Conservation Directory, Wiltshire: Cathedral Communications Limited.
14. Burke, G. (1976), **Townscapes**. Harmondsworth, Penguin.
15. Gayle, M., W. Look, D., & Waite, J (1980), **Metals in America's Historic Buildings: Uses and Preservation Treatments**, Washington, D.C: Technical Preservation Services Division.
16. Gelbloom, M. (1978), **Old Storefronts**, The Old House Journal, 25-34.
17. Heller, S (2007), **Shop America: Mid-Century Storefront Design**, Cologne: TASCHEN.
18. Henry, T. (2013), **Facadism as an approach to redevelopment and conservation of World Heritage, Eindhoven**, Eindhoven University of Technology.
19. HISTORIC PRESERVATION REVIEW BOARD (2010), **Design Guidelines for Historic Commercial Buildings**, Washington: District of Columbia Office of Planning.
20. Jandl, H. W. (1982), **Rehabilitating Historic Storefronts**, In PRESERVATION BRIEFS (pp. 1-11). Washington: National Park Service.
21. Knibbe, E. (1981), **Monroe Downtown Facade Study**, Michigan: Monroe City Council.
22. NYC Small Business Service (2008), **FACADE; guide to storefront design**, Historic preservation, New York.
23. Rifkind, C (1977), **Main Street: The Face of Urban America**, Harper and Row, New York.
24. Rome Main Streets Alliance (2017), **Storefront Design Manual**, Main Streets, Rome.
25. Rowe, C.; Koetter, F. (1978), **Collage City**, MIT Press, Cambridge.
26. Sharon, P (1980), **Storefront Rehabilitation: A 19th Century Commercial Building**, Technical Preservation Services Division, Washington, D.C.
27. Toman, R (2000), **Neoclassicism and Romanticism: Architecture, Sculpture, Painting, Drawing: Architecture, Sculpture, Painting, Drawings, 1750-1848** (Art & Architecture), Königswinter: Königsmann.
28. Weir, I. (2008), **Saving Face; Facade-retention methods in Liverpool's derelict terraces**, In J. Taylor, The Building Conservation Directory, Wiltshire: Cathedral Communications Limited.

عملیاتی دانست که البته مستلزم رعایت اصول زیادی است که شرایط تاریخی و محدودیت‌های مربوط به مداخله در آثار متعلق به حوزه میراث فرهنگی، به کار تحمیل می‌کند. تجربه به‌سازی خیابان ناصرخسرو و جداره‌های تجاری آن با چالش‌هایی همراه بود که تا حدودی به پرسش‌های مطرح شده در مقدمه پژوهش پاسخ می‌دهد؛ مواجهه با جداره‌های اصیل و آسیب دیده، جداره‌های بازسازی شده و تغییر یافته، تاثیر تغییر کاربری و لزوم تغییرات، همگی در زمره مسائلی هستند که پیش از آغاز به کار مطرح بودند و در نهایت طی تدوین چارچوب مداخله، تلاش شد که بر تمامی مشکلات مذکور غلبه شود. مستندنگاری کامل، انجام ارزیابی اولیه مطابق با الگویی که بدان اشاره شد، ایجاد چارچوبی منعطف برای طراحی که تمامی مسائل مذکور را پوشش دهد و نهایتاً ارائه راهبردهای اجرایی منطبق با مبانی نظری و در قالب چارچوب مذکور، اصولی را تشکیل دادند که در تمامی طول پروژه به عنوان مرجع تصمیم‌گیری مد نظر قرار داشتند. احیای هویت کالبدی که به عنوان یکی از اهداف حفاظت شهری در این محور منظور نظر بود، مستلزم توجه به عوامل زیادی است که به درک همگانی از مکان، ایجاد کیفیت بصری و فضایی متمایز و نیز احیای هویت مکانی منجر می‌شود. با در نظر گرفتن عواملی که در هویت یک منطقه تأثیرگذار هستند، می‌توان این گونه استدلال کرد که ابقا، بازسازی و مرمت جداره‌های شهری تاریخی می‌تواند نقش مهمی را در فرایند حفاظت شهری و احیای هویت مکانی و فردی ایفا کند.

فهرست منابع و مراجع

۱. آرشیو و مرکز اسناد موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۲. اروچی، ا. (۱۳۷۵)، «روند شکل‌گیری خیابان در اروپا و ایران از رنسانس تا عصر حاضر»، **مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، جلد چهارم، ۴۰۷-۴۲۸.
۳. اعتصام، ا. (۱۳۷۵)، «بررسی تطبیقی معماری و شهرسازی معاصر ایران با اروپا»، **مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، جلد سوم، ۸۹-۱۱۰.
۴. پوراحمد، ا.؛ فرجی ملایی، ا.؛ منوچهری، ا.؛ و عظیمی، آ. (۱۳۹۰)، «تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی-کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه تهران)»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ۴۷-۶۱.
۵. پوربهادر، پ.؛ فدائیان نژاد بهرام‌جردی، س. (۱۳۹۷)، «بازشناسی چارچوب نظری رویکرد حفاظتی منظر شهری تاریخی»، **فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، ۶۳-۷۴.
۶. ذکاوت، ک. (۱۳۷۵)، «معماری خیابانی»، **مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران**، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، تهران، جلد سوم، ۱۲۱-۱۴۰.
۷. ریچاردز، ج. (۱۳۹۷)، **نماگرایی**، (س. محمودکلاهی، ح. محمودکلاهی و م. غلام‌نژاد؛ مترجم) سازمان زیباسازی شهر تهران، تهران.

Archive of SID